

سخن سردبیر

علم اطلاعات و دانش‌شناسی و گام‌های بزرگ

در تحویل دولت دهم به یازدهم، بحث‌های مختلفی مطرح شد که یکی از آنها بحث یارانه‌ها و نحوه پرداخت آن به مردم بود. سخنگوی دولت اظهار می‌داشت که چنانچه بخواهند سه دهک جمعیت برخوردار را ردیابی و شناسایی کنند امکان آن در کوتاه‌مدت نیست. و وزیر اقتصادی و دارایی می‌گفت حداقل به شش الی یک‌سال فرصت نیاز است تا بتوانند آمار دقیق این خانوارها را به دست آورند. این مسئله مرا به این فکر فرو برد که چه مسئله‌ای است آمار و اطلاعات که دست یافتن به آن این چنین دشوار است.

واقعیت این است که آمار و اطلاعات جزو اولین نیازهای هر کشوری برای برنامه‌ریزی است و چنانچه آمار صحیح و دقیق نباشد، همه چیز فاقد برنامه خواهد بود. و چنانچه هر برنامه صحیح و درستی تدوین شود، با مخدوش شدن آمار، اجرای آن برنامه عقیم و ابر می‌ماند. سؤال اصلی این است که ورودی‌های ما چگونه است که نمی‌توانیم برای آن خروجی در نظر بگیریم. آیا آمار و اطلاعات اولیه غلط است، آیا نحوه عرضه اطلاعات به مردم درست نیست؟ آیا متغیرهای مزاحم به هنگام آمارگیری فراوان است که در نهایت مردم همکاری لازم را نمی‌کنند؟ آیا آمارگیران آموزش لازم را نمی‌بینند و یا دقت لازم را در زمان آمارگیری به کار نمی‌برند؟ آیا مراکز آمارگیری متعدد است و هر یک بدون هماهنگی هم با هر انگیزه خاصی آمار می‌گیرند که در نهایت خروجی‌ها متفاوت می‌شود؟ آیا به‌هنگام ورود اطلاعات به سیستم از عبارات و اصطلاحات گوناگون و یا ابهام‌آمیز و چندپهلوی استفاده می‌شود که خروجی آن قابل بحث می‌شود؟ آیا همه این‌ها هست و یا هیچکدام این‌ها نیست و عزمی ملی برای اخذ آمار درست وجود ندارد؟

برای اینکه مسئله روشن‌تر شود نمونه‌های دیگری عرض می‌کنم. زمانی که در دوره سوم در مجلس شورای اسلامی بودم در زمان معاونت اولی مرحوم دکتر حبیبی، من در کمیسیون اداری و استخدامی بودم. قرار بود افزایش حقوقی برای کارکنان دولت در نظر گرفته شود. بین مجلس و دولت بر سر آمار دقیق بحث و گفت‌وگوی فراوانی بود و به همین دلیل مدتی به تأخیر افتاد. دلیل عمده این بود که سه مرکز مهم تصمیم‌گیری کشور آمار کارکنان را هر یک

با صدهزار اختلاف به مجلس داده بودند و این مصیبت بزرگی برای تصمیم‌گیری و تعیین بودجه بود. بالاخره معلوم نشد منشأ اختلاف کجاست. همچنین شاید همه به خاطر داشته باشند که زمانی از طرف نهادی، شاید جهاد سازندگی، اعلام شد که بیش از ۱۰ میلیون شناسنامه باطله است که مردم برای آن کالا دریافت می‌کردند. آیا مردم همکاری نمی‌کنند و یا مسئولان در توجیه مردم و یا آموزش آنان قصور و تقصیر دارند؟ اگر قرار باشد برنامه‌ریزان و مسئولان بدون کار کارشناسی سخن بگویند و یا سخنان در بین آنان یک دست نباشد و تعارض داشته باشد مردم نیز به آن اطمینان نمی‌کنند و یا به طمع آنچه تحت عنوان برنامه شایع شده است، اطلاعات متفاوت عرضه می‌کنند. مثلاً گاه سیاست تشویقی برای برنامه‌ای مثل بخش کود مطرح می‌شود و عده‌ای به طمع اینکه کود بیشتری دریافت کنند و چه بسا به خاطر آشفتگی بازار آن را در بازار آزاد بفروشند، آمار زمین‌های خود را غیرواقعی اعلام می‌کنند و یا اگر بگویند مثلاً به ازای هر رأس دام، یارانه‌ای داده می‌شود، عده‌ای باز آمار را درست اعلام نمی‌کنند تا از مزایای آن بهره‌برند. راستی آزمایی آمارها به قدری مهم است که ارزش آن را دارد که دقت‌های لازم از جمیع جهات بر روی آن صورت گیرد. یادم هست وقتی حدود یک سال و نیم (۲۰۰۱-۲۰۰۳) در کانادا بودم وقتی به مراکز دولتی و یا بیمارستانی مراجعه می‌نمودم، هر دفعه آمار دقیق از خود، پدر و مادر، و حتی کسانی که در قید حیات نبودند را طلب می‌کردند. فکر می‌کنم شاید یکی از اهداف آنان این بود که نکند آمارها خلاف گفته شود و چه بسا در شبکه اطلاع‌رسانی آنها این اطلاعات با یکدیگر مطابقت داده می‌شد. در هر حال این دلیل برای این است که آمار و اطلاعات به‌عنوان اولین پایه‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در کشور محسوب می‌شود و چنانچه خدشه دار باشد و قصوری از طرف مسئولان و مردم در ارائه آن اعمال شود، دودش به چشم همه می‌رود و نتیجه، تأخیر در تصمیم‌گیری خواهد بود.

غرض از بیان مطالب فوق این بود که اگر بحث ورود و ذخیره اطلاعات و بازیابی اطلاعات در کشور مسئله اصلی باشد، متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی سابق) که محور اصلی بحث آنان ذخیره و بازیابی اطلاعات است آیا نمی‌توانند در این امر به مسئولان یاری رسانند؟

واقعیت این است که اساس کار رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی ذخیره و بازیابی

اطلاعات است. اگر چه بیشترین وجهه همت آنان اطلاعات علمی است ولی بحث ذخیره و بازیابی درست و به موقع، امری عمومی است و چنانچه متخصصان این رشته ولو به مقدار ۱۰ تا ۲۰ درصد، اگر نگوئیم که بیشتر از این‌ها، در همکاری و اصلاح بهینه کار سهمی بتوانند داشته باشند، لازم است به نوعی آن را مطرح کنند و نقش خود را به عنوان متخصصان مسئله به دولتمردان بنمایانند.

توضیح اینکه اگر غرض و مرضی در کار نباشد، حتی اگر آمار هم قدری خدشه داشته باشد و اگر متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی که اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه‌شان بازیابی دقیق اطلاعات است توان کمک به حل این معضل اجتماعی و اقتصادی را داشته باشند، باید رسماً اعلام کنند که ما حاضریم تا با همکاری سایر نهادها به رفع عیب و ایراد وارده در آمار و اطلاعات کشور کمک کنیم.

بنابراین علت اصلی این تداعی این است که وظیفه اصلی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، ذخیره و بازیابی اطلاعات است. به تعبیر من بازیابی اساس و هویت این علم را نشان می‌دهد. پس اگر چنین است، باید متخصصان این حوزه در هر جا که بحث بازیابی اطلاعات مطرح می‌شود به صورت جدی و یا دست کم به صورت مشاوره‌ای حضور داشته باشند و اگر ندارند باید دید اشکال کار کجاست؟ آیا توانایی این کار را ندارند؟ و یا حوزه ذخیره و بازیابی اطلاعات محدود به کتابخانه‌ها و آن هم در حد نازل آن است؟ اگر تازه چنین باشد باز این سؤال مطرح می‌شود که بین بازیابی اطلاعات کتابخانه‌ای به معنای وسیع آن که شامل مراکز اطلاعات و اسناد هم می‌شود که سروکار متخصصان حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی با نمایه‌سازی‌های مختلف است، با بازیابی اطلاعات در سطوح دیگر و به‌ویژه در سطح کلان کشوری و آماری فرق می‌کند؟ اگر فرق دارد آیا فرق آن به لحاظ ماهیت کار است و یا به لحاظ حجم و مقدار؟ باز این پرسش مطرح می‌شود که با وجود کامپیوتر، دیگر مقادیر خیلی نمی‌توانند مانع اصلی تلقی شوند. و شاید هیچکدام از این‌ها نباشد. کتابداران و یا متخصصان علم اطلاعات به لحاظ هویتی دارای ضعف می‌باشند. چون تعریف مشخصی از کار خود ندارند که باید به آن توجه جدی شود. و یا اصولاً این رشته ذاتاً درون‌گراست و همچون کتاب و سایر مدارک، ساکت و صامت است و تا به سراغ آنها نروند، حرفی نمی‌زنند. و از این رو به مسائل

بزرگ مملکتی کار ندارند زیرا جایگاهی برای متخصصان حوزه در سطح کلان کشور تعریف نشده است. البته این نکته اخیر به این دلیل نقض می‌شود که کتابخانه ملی جمهوری اسلامی در سطح معاونت ریاست جمهوری است و کتابخانه مجلس شورای اسلامی در سطح معاونت وزیر ویا یا رئیس نهاد کتابخانه‌های عمومی ویژگی‌ای در این سطح دارد. مرکز منطقه‌ای در شیراز هم رکنی در این زمینه محسوب می‌شود. بنابراین چنانچه انتخاب‌ها درست باشد و متخصصان عهده‌دار این مسئولیت‌ها باشند به خوبی می‌توانند مسائل و مشکلات را به سمع مقامات مافوق خود برسانند و مسائل و مشکلات را مطرح کنند. لذا نباید از این حیث هم احساس ضعف یا کمبودی داشت.

بنابراین اگر وظیفه‌بازایی اطلاعات به عنوان محور اصلی و اساسی این حوزه مطرح است، باید دید چرا کتابداران در مسائل کلان کشوری حضور ندارند و اگر دارند چرا این حضور پررنگ نیست؟

واقعیت این است که شاغلان این حوزه علمی و متخصصان و مدیران کتابدار باید اولاً به هویت رشته خود بیش از پیش توجه کنند و آن را از قالب سابق که محدود به کتابخانه بود فراتر ببینند. و کتابخانه را موجد علم کتابداری تلقی نکنند بلکه آن را مولود تفکر کتابداری بدانند. حوزه‌بازایی اطلاعات را در سطح وسیع و جهت‌همت خود قرار دهند و بدانند که در شرایط کنونی متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در هر جا که بحث بازایی اطلاعات مطرح است باید حضور داشته باشند. البته یکی از وظایف آنان حضور در کتابخانه‌هاست. ثانیاً باید خود را مجهز کنند تا بتوانند نسبت به مسائل کلان و خرد کشوری که در رابطه با بازایی صحیح اطلاعات است حضور متخصصانه داشته باشند. ثالثاً جرأت و جسارت انتخاب موضوعات کلان را در قالب طرح و یا انتخاب موضوع پایان‌نامه و به‌ویژه رساله دکتری داشته باشند. نمونه آن رساله دکتری آقای زوارقی بود که موضوع آن ترسیم و تفسیر ساختار فکری در علوم جمهوری اسلامی ایران بود. در حوزه علم‌سنجی پیشنهاد من به اولین دانشجویان این رشته در دانشگاه تهران در درس سمینار تحقیق این بود که برای ترسیم نقشه علمی و یا عملیاتی و یا خدماتی و اجرائی در سه قوه مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، و نهاد ریاست جمهوری وارد مذاکره شوند تا برای آنان نقشه علمی تهیه کنند. ترسیم نقشه علمی از روند آنچه گذشته

است می‌تواند راه را برای تصمیم‌گیری بهتر هموار کند. به‌عنوان مثال، می‌توان طرح‌های تصویب شده در حوزه‌های گوناگون، پرونده‌های ارجاعی به دستگاه قضا در موضوعات مختلف و مناسبت‌های اجرایی وزارتخانه‌ها را در عرصه‌های متفاوت در صورت وجود آمار و اطلاعات درست به تصویر کشید و آن را در اختیار تصمیم‌گیرندگان گذاشت. در هر حال، اگر این حوزه علمی توان کافی برای حضور در برنامه‌های بزرگ داشته باشد و اگر مسائلی چون یافتن آمار و اطلاعات دقیق، به همه آن، دست کم تا چند درصدی به این حوزه یعنی ذخیره و بازیابی اطلاعات و دانش مربوط باشد، این امر توجیه‌پذیر است. حتی طرح‌هایی به‌عنوان مجری و یا در حد مشاوره می‌توان تصدی کرد مشروط بر آنکه قدرت‌های تصمیم‌گیر بنا بر رفع نقص و زدودن مشکل داشته باشند. متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی با رعایت اصول و ضوابط ذخیره و نیز بازیابی می‌توانند از همه سطوح به یاری مسئولان بشتابند.